



A comparative-analytical exploration of the differences between the evidences and remnants available from the Yazd Shamsiya complex

ARTICLE INFO

Article Type
Analytic Study

Authors

Shahaboddin Tasdigi¹
Mohammad Ali
KhanMohammadi^{2*}
Abbas Tarkashvand³

How to cite this article

Falaha

URL: <http://>

ABSTRACT

Aims: In this article, Shamsiya of Yazd, a complex of the 8th century A.H, is examined through the lens of two historical texts "Tarikh-e Yazd" (by Ja'fari) and "Tarikh-e Jadid-e Yazd" (by Kateb) - both from the 9th century. The differences between these 2 descriptions and with the remains of the building, provides a framework for understanding this building and its perception in the past.

Methods: This article, using the historical-interpretive method, first deals with the identification of the Shamsiya complex in the Waqfname (endowment letter) of Jame' Al-Khairat, and then compares the descriptions of Ja'fari and Kateb with each other and with the Waqfname and building itself. Secondly it will list the differences among descriptions. Finally, considering social backgrounds and textual context, it will recognize the Shamsiya collection and the way it was looked upon.

Findings: The main difference between Jafari's text and Kateb's about Shamsiya is the type of reference to decorative details and water supply corridors. Also, while the texts of the 9th century mention two madrasas in this complex, only one madrasa is mentioned in Jame' Al-Khairat. There are other minor differences between them also.

Conclusion: The key to understand the differences lies in two authors' different perspectives; While Ja'fari pays attention to the whole building and the surface water passages, Kateb weighs more to the decorative detail and underground water. Also, the difference between the social background of the 9th and the 8th century has caused the building of Dar al-Siyadeh to gradually become "Madrasa".

Keywords: Shamsiya Madrasa; Yazd Architecture; Tarikh-e Yazd; Tarikh-e Jadid-e Yazd; Jame' Al-Khairat, Traditional Architecture, Islamic Iranian Architecture

CITATION LINKS

- 1- Ph.D. candidate, School of Architecture and Environmental Design, Iran university of Science and Technology, Tehran, Iran.
- 2- Associate Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran university of Science and Technology, Tehran, Iran.
- 3- Assistant Professor, School of Architecture and Environmental Design, Iran university of Science and Technology, Tehran, Iran.

*Correspondence

Address: School of Architecture and Environmental Design, Iran university of Science and Technology, Tehran, Iran.

Email:

khanmohammadi@iust.ac.ir

Article History

Received:

Accepted:

Published:

- [7]. Mir Dehghan F. A., Zarei, M. A., Nouri, J. The physical-spatial structure of Yazd city from the beginning of the Islamic period to the end of the Al-Mozafar period Based on available evidence. Geography (Regional Planning), 2019, 9(36),.....[9]. Emami Meybodi D., Rethinking the architecture of Shamsiya Yazd school, *Iranian and Islamic architectural and restoration research*, 2020, 3(6-7) [Persian][10]. Nikzad, Z., Mehr-Ali Kord-bacheh, M., Madrasas of Yazd in the Kakuyid and Atabakan Periods: Architecture and Function of Religious Schools Based on Historical Reports and Environmental Evidence[11]. Emami Meybodi D., Researching the Muzaffarids and Timurid Schools in Yazd.....[12]. Einifar, A., Khademzade, M. H., Recognition of the Architecture of Yazd in Atabakan Period, Using Historical Documents (Case Study: Atabak Qotb-Al'Din's Dowlat-Khaneh Complex). *Journal of Architecture and Urban*[15]. Mancini-Lander, D. J., Subversive skylines: Local history and the rise of the Sayyids in.....[17]. Hultzs, A., *An archaeology of perception: Verbal descriptions of architecture in travel writings* [Doctoral, UCL (University College London)], In Doctoral thesis, UCL[20]. Semsar Yazdi A., Karimian A., Re-identification of Vafqabad Qanat in Yazd, An urban landscape in eighth and fourteenth centuries Hegira, *Athar Journal*[21]. Ya'qubi M., Samani S.M., and Montazeri Moqaddam H., Dar al-Siyadah: the Historical Background of Its Establishment; Its Status and Function in the Time of Mongol Ilkhanate, *Tarikh-e Ialam dar Ayene-ye Pajooresh*.....



کاوشی تطبیقی-تحلیلی در تفاوت‌های میان شواهد متنی و کالبدی مجموعه تاریخی شمسیه یزد

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: تحقیق بنیادی

نویسندگان

شهاب‌الدین تصدیقی^۱
محمدعلی خان‌محمدی^{۲*}
عباس ترکاشوند^۳

۱. دانشجوی دکترای معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران. (نویسنده مسئول)
۳. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

نویسنده مسئول *

khanmohammadi@iust.ac.ir

تاریخ مقاله

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

اهداف: در این مقاله، شمسیه یزد، مجموعه‌ای متعلق به قرن ۸ هجری قمری، از دریچه‌ی دو متن تاریخی «تاریخ یزد» (اثر جعفری) و «تاریخ جدید یزد» (اثر کاتب) - هر دو متعلق به قرن ۹ - بررسی می‌شود. تفاوت میان توصیفات این دو متن با یکدیگر و با کالبد بجای‌مانده از بنا، چارچوبی برای فهم این بنا و ادراک آن در گذشته فراهم سازد.

روش‌ها: این مقاله با روش تاریخی-تفسیری، ابتدا به بازشناسی مجموعه‌ی شمسیه در وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات می‌پردازد و سپس با قیاس توصیفات جعفری و کاتب با یکدیگر و با وقفنامه و کالبد بنا، به موارد اختلاف میان توصیفات می‌پردازد. نهایتاً با مذاقه در بستر اجتماعی بنا و بافتار کلی این متون، به بازشناسی مجموعه‌ی شمسیه و نوع نگاه متون به آن می‌پردازد.

یافته‌ها: اختلاف اصلی بین متن جعفری و کاتب در خصوص شمسیه، نوع اشاره به جزئیات تزئینی و ممرهای آپرسانی است. همچنین در حالی که در متون قرن ۹ از دو مدرسه در این مجموعه یاد شده است، در جامع‌الخیرات تنها از یک مدرسه یاد می‌شود. تفاوت‌های خرد دیگری نیز میان توصیف جعفری و کاتب وجود دارد.

نتیجه‌گیری: کلید فهم تفاوت‌ها، تفاوت نوع نگاه دو نویسنده است؛ در حالی که جعفری به کلیت بنا و ممرهای سطحی آب توجه بیشتری دارد، کاتب به تزئینات بنا و آب‌های زیرزمینی وزن بیشتری می‌دهد. همچنین تفاوت بستر اجتماعی قرن ۹ با قرن ۸، باعث شده است که بنای دارالسیاده‌ی شمسیه تدریجاً با عنوان «مدرسه» یاد شود.

کلیدواژه‌ها: مدرسه شمسیه، معماری یزد، تاریخ یزد، تاریخ جدید یزد، جامع‌الخیرات، معماری سنتی، معماری اسلامی ایرانی

ارجاع‌دهی

URL: <http://>

مقدمه

مجموعه‌ی شمسیه‌ی یزد واقع در محله‌ی چهارمنار این شهر، از حیث حضو همزمان بقایای بقعه و مدرسه در کنار ۳ متن که توصیفاتی از این مجموعه را شامل می‌شوند، کم‌نظیر است. در حال حاضر از این مجموعه، بقعه‌ای در گذر شیرغلامی یزد که به عقیده‌ی دانشوران شامل مدرسه و مزار سید شمس‌الدین می‌شده است و یک سردر سابقاً نیمه‌ویران - که طی سال‌های اخیر مرمت شده - باقی مانده است. در کنار این بقایای کالبدی، این مجموعه در سه متن جامع‌الخیرات [1]، تاریخ یزد [2] و تاریخ جدید یزد [3] مورد توجه تاریخ‌نگاران و کاتبان کهن قرار گرفته است. به کمک بقایای کالبدی و گزارش‌های متعددی متنی می‌توان برخی وجوه این مدرسه که دیگر موجود نیستند تخمین زد نکته‌ی ویژه در خصوص این گزارش‌ها آن است که میان توصیفات منابع متنی موجود تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد که برای بازآفرینی مجموعه‌ی شمسیه از روی این شواهد متنی، نیازمند تفسیر و ارزیابی این اختلافات هستیم. اگرچه اختلاف میان متون تاریخی در نگاه اول می‌تواند چالش‌برانگیز به نظر آید، اما این پژوهش بر این باور است که تفاوت میان الفاظ و توصیفات و مقولات این گزارش‌های تاریخی با وجود ایجاد برخی ابهامات، می‌تواند کلید فهم عمیق‌تری از این مجموعه باشد. اختلاف میان متن‌های تاریخی، علاوه بر فراهم‌آوری فرصت فهم بنا از دیدگاه‌های مختلف، می‌تواند ادراک معماری دوره‌ها و اقشار اجتماعی مختلف یزد را نیز روشن‌تر سازد. در حالی که رسالت متفاوت و زمان نسبتاً دور نگارش متن جامع‌الخیرات از دو متن دیگر، درک تفاوت‌هایش با دو متن دیگر را آسان‌تر می‌کند، تفاوت میان متن جعفری و متن کاتب بخاطر سیاق بسیار مشابه‌ترشان، سوال‌برانگیزتر است. دو متن «تاریخ یزد» و «تاریخ جدید یزد» - که از این پس مجموعه‌ی این دو متن تاریخی «تاریخین» نامیده می‌شود - هر دو در قرن نهم و بیش از یک قرن پس از ساخته شدن مجموعه‌ی شمسیه نوشته شده‌اند. به گواه دانشورانی چون ایرج افشار، این دو تاریخ‌نامه تقریباً حاوی اطلاعات یکسانی هستند و حتی افشار در مقدمه‌ی تاریخ جدید یزد اذعان کرده است که متن دوم، تقریباً بازنویسی متن اول است [3]. این پژوهش معتقد است رمزگشایی از تفاوت‌های این دو متن می‌تواند

علاوه بر ارتقای فهم محققین امروز از ادراک معماری در قرن نهم و بازشناسی دقیق‌تر مجموعه‌ی شمسیه، مقدمه‌ای باشد بر فهم تفاوت‌های دیگر بین این دو متن تاریخی و بازشناسی هرچه دقیق‌تر دیگر ابنیه‌ی تاریخی مذکور در این تاریخین. با این تفصیل، پرسش‌های پژوهش پیش رو عبارت‌اند از:

۱. چه تفاوت‌هایی میان وصف شمسیه در تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد به چشم می‌خورد؟
۲. این تفاوت‌ها چه نکاتی در خصوص مجموعه‌ی شمسیه و دیدگاه تاریخین به معماری به ما می‌گوید؟

پیشینه پژوهش

از حیث بازشناسی مجموعه‌ی شمسیه، «معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی» اثر هیلن‌برند [4] در فصل «مدرسه» به نمونه‌ی شمسیه می‌پردازد. رویکرد این اثر عمدتاً سبک‌شناسانه است و در خصوص شمسیه نیز بیشتر از متن‌های تاریخی به کالبد این بنا توجه داشته است. دونالد ویلبر در کتاب «معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان» [5]، علاوه بر تکنگاری مدرسه‌ی شمسیه، به معرفی «مکتب یزد» به عنوان یک جریان معماری مهم در این دوره می‌پردازد. پژوهش‌های مربوطه در این اثر نیز بیشتر حول کالبد بجای‌مانده‌ی بقعه‌ی سید شمس‌الدین شکل گرفته است. یادگارهای یزد [6] یکی از اولین منابعی است که به طور جامعی تلاش کرد بقایای کالبدی ابنیه‌ی کهن یزد را به موازات متون تاریخ مربوط به آنها ثبت کند و پل‌های معنایی میان متون تاریخی و بقایای کالبدی برقرار کند. لیکن این اثر در نهایت جز تصریح موقعیت کنونی بقعه‌ی سید شمس‌الدین به عنوان مدرسه‌ی شمسیه‌ی مذکور در متون تاریخی، هیچ گزاره‌ی دیگری در خصوص کالبد اجزا و دانه‌های عملکردی این مجموعه به دست نمی‌دهد. همچنین در این اثر اشاره‌ای به اختلافات بین متون تاریخی در خصوص وصف شمسیه نشده است. تلاشی بسیط‌تر از این دست را می‌توان در مقاله‌ی «ساختار کالبدی- فضایی شهر یزد از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره آل‌مظفر براساس مدارک و شواهد موجود» اثر میردهقان اشکدری و زارعی و نوری دید [7] که تلاش کردند بر اساس متون تاریخی مذکور، عملکردهای موثر بر ساختار بافت تاریخی شهر یزد قدیم را شناسایی کنند. «معماری دوره آل مظفر یزد» [8]، اثر دیگری است که با نگاهی معمارانه‌تر

این مدرسه را در گنبد هشت کنونی واقع در فهادان یزد تخمین بزند [12].

قسمی دیگر از پژوهش‌ها مذاقه‌های نقادانه‌ای در متن تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد داشته و متوجه برخی خطایا و یا اختلافات در آنها شده‌اند. افشار در مقدمه‌ی دو تاریخنامه‌ی «تاریخ یزد» و «تاریخ جدید یزد» خود به خوبی یادآور خرده خطاهای احتمالی این متون می‌شود و زمینه را برای نگاه نقادانه به مطالب این دو اثر باز می‌کند [2]. میرحسینی در پایان‌نامه‌ی خود به تناقضات موجود در روایت دستگیری سید رکن‌الدین اشاره می‌کند و روایتی جایگزین برای آن ارائه می‌دهد [13] و تشکری در کتاب «تاریخ شهر و شهرنشینی در یزد» زمان‌پرسی‌های موجود در روایت هجرت امامزاده جعفر به یزد یا سلطنت امیران آل کاکویه را مورد کاوش قرار داده است [14]. مقاله‌ی منسینی‌لندر [15] با عنوان *Subversive skylines: local history and the rise of the Sayyids in Mongol Yazd* تلاشی است برای تطبیق و نقد روایات چند منبع مهم تاریخی یزد از قبیل «تاریخ یزد»، «تاریخ جدید یزد» و «جامع مفیدی» [16] و همچنین جامع‌الخیرات. این مقاله تلاش می‌کند موقعیت خاندان سادات عریضی (بانیان این مجموعه) و روایت بازداشتشان به دست حاکمان یزد را در چند متن متفاوت مورد مذاقه قرار دهد. تلاش منسینی‌لندر برای انگیزه‌خوانی از سه نویسنده‌ی پشت آثار فوق‌الذکر به این مقاله کمک می‌کند که دلیل تفاوت روایات جعفری و کاتب از شمسیه را بهتر تخمین بزند.

می‌توان این جمع‌بندی را کرد که مجموعه‌ی شمسیه هیچ‌گاه به طور جامع و مانعی از دریچه‌ی شواهد متنی مورد بازشناسی قرار نگرفته است. عمده‌ی منابع موجود در این زمینه با روش‌های سبک‌شناسانه و تطبیقی به آن توجه داشته‌اند، و یا در صورت توجه به متون تاریخی، به اختلافات میان شواهد تاریخی توجه خاصی نکرده‌اند. رویکرد نقادانه به متون تاریخی یزد البته در حوزه‌ی پژوهش‌های معطوف به تاریخ سیاسی یزد به چشم می‌خورد، اما هنوز در حوزه‌ی معماری به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته. این مقاله تلاشی است برای بکارگیری رویکرد نقادانه در تفسیر و فهم اختلاف میان منابع و شواهد تاریخ معماری یزد تا این خلأ را تا حدی پر کند.

به همین اقدام دست زد. موضوع این کتاب محدود به بناهای دوران ایلخانی و آل مظفر - با نیم‌نگاهی به دوران اتابکان - یزد است. این کتاب توجه خوبی به جزییات معمارانه‌ی این بنا داشته است. لیکن در حوزه‌ی بررسی توصیفات تاریخی تفاوت چندان زیادی با کتاب افشار ندارد.

امامی میبیدی در مقاله «بازاندیشی معماری مدرسه شمسیه یزد» [9] تلاش کرده است از طریق بررسی همزمان متون تاریخی و کالبد بجای‌مانده از این مجموعه، دست به به بازشناسی کلی آن بزند؛ لیکن برای وصف شمسیه در متون، تنها به تاریخ یزد جعفری استناد کرده و اساساً در آن مقاله نقش متن در بازشناسی مجموعه بسیار کم‌رنگ است. روش اساسی آن مقاله، تطبیق‌های سبک‌شناسانه بخصوص با معماری آل مظفر یزد و معماری آذربایجان و ترکیه - به عنوان منشأ طرح این مجموعه - در همان دوران است. بر اثر همین دیدگاه کالبدمحور، نقش ابنیه‌ی کلیدی دیگری چون دارالسیاده یا خانقاه در این مقاله بسیار کم‌رنگ است و بعضاً بر اساس پیش‌فرض‌هایی نه چندان مطمئن - از قبیل یکسان بودن پلان خانقاه‌ها و مدارس یزد آل مظفر - مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

وجه دوم این پژوهش، مذاقه نقادانه در متون تاریخی محلی یزد است. مقاله‌ی «مدارس شهر یزد در روزگار آل کاکویه و اتابکان» [10] تلاش کرده نگاه جامعی به مدارس یزد از دریچه‌ی متون تاریخی یزد داشته باشد و به مکان‌نمایی و فهم برخی ویژگی‌های کلی معمارانه‌ی آنها بپردازد. امامی میبیدی در مقاله‌ی دیگرش با عنوان «بررسی مدارس دوره آل مظفر و تیموری یزد به استناد متون» [11]، مقوله‌ی معماری و اندام‌های معمارانه‌ی مدارس یزد را کانون توجه خود در متون قرار داده و توانسته است به انواع اندام‌های معمارانه‌ی موجود در مدارس یزد از قبیل گنبد و طنبی و ایوان و غیره، و تنوع هر یک از دریچه‌ی متون بپردازد. به غیر از این نگاه‌های جامع و کل‌نگر، خرده نگاه‌های جزء‌نگر و دقیق در زمینه‌ی واکاوی معماری از متون نیز وجود دارد؛ برای نمونه می‌توان به فهم موقعیت مدرسه‌ی اتابک ابومنصور قطب‌الدین در مقاله‌ی «بررسی مدارس دوره آل مظفر و تیموری یزد؛ نمونه موردی: مجموعه دولتخانه اتابک قطب‌الدین» اشاره کرد که توانست با گزینش ارجاعات موردی و تطبیق آنها در بافت شهر یزد، محل

مواد و روش‌ها

دغدغه‌ی اصلی این مقاله، فهم یک مجموعه‌ی تاریخی از لابلای تطبیق متون وصفی در خصوص آن است. یکی از پژوهش‌های مشابه در این زمینه توسط هولتز [17] در پایان‌نامه‌اش درباره‌ی ادراک معماری صورت گرفت. این پژوهش تلاش کرده است برای بازشناسی فهم معماری در دوره‌های مختلف تاریخی، وصف برخی ابنیه را در متون مختلف با هم مقایسه کند. برای مثال وصف چند ویلا و شهر در دو متن از دو قرن مختلف مورد بررسی قرار گرفتند و تفاوت‌های این دو متن - در کنار فهم روح معرفتی زمانه - کلید فهم نوع ادراک بنا در این دوره می‌شدند. روش این پژوهش، مبتنی بر تحلیل دقیق ادبیات و کلمات به کار رفته با نیم‌نگاهی به جهان‌بینی فلسفی زمانه است. مصادیق نوع دقت به واژگان در این پژوهش عبارت‌اند از دقت به نوع افعال به کار رفته، دقت به رابطه‌ی نهاد جملات با مفعول مورد وصف، استعاره‌های به کار گرفته شده و غیره. دقت به افعال، ترتیب ذکر و یا دسته‌بندی‌های بکاررفته در توصیفات مورد بررسی این مقاله می‌تواند نمونه‌های بکارگیری این تکنیک در پژوهش پیش رو باشد. وجه مهمی از این مقاله، قیاس مقولات بکاررفته برای توصیف شمسیه در متون متفاوت است. نقش پررنگ مقولات در فهم انسان از جهان، مبانی فلسفی قابل اعتنایی دارد. در میان نظریه‌پردازان اخیر این حوزه، جورج لیکاف یکی از کسانی است که تلاش کرده این نکته را روشن کند که مرز میان مقولات به طریق منطقی و دقیق روشن نمی‌شود، بلکه مقولات همیشه در همپوشانی‌ها و ابهامات جدی تعریف می‌شوند و حتی اعضای یک مقوله همگی به یک اندازه عضو آن نیستند [18]. یکی از قسم‌های ثنوی لیکاف، شامل این موضوع می‌شود که الفاظ و معانی در بستری از معانی قبلی امکان ظهور پیدا می‌کنند که به آن «مدل شناختی ایده‌آل» (Ideal Cognitive Model) اطلاق می‌شود. در صورت زوال شرایط امکان این مدل شناختی ایده‌آل، امکان حضور این واژگان یا معانی نیز کمرنگ می‌شود. برای مثال، لفظ عذب گرچه در ظاهر به معنای مرد ازدواج‌نکرده است، اما این لفظ برای اطلاق نیازمند شرایط خاصی است؛ از جمله جوان بودن و عدم عهد به تجرد (همچون راهبان)؛ به همین

سبب کسی متصور نیست که این لفظ به پاپ کاتولیک‌ها اطلاق شود [18].

رویکرد لیکاف از این حیث به کار پژوهش پیش رو می‌آید که بتوان در بررسی لفظ بکارگرفته‌شده برای مدلول‌های واحد دقت بیشتری به خرج داد. ممکن است آنچه در یک متن الف یاد شده، در متنی از دوره‌ای دیگر ب یاد شود و این تغییر لفظ ناشی از مصداق بینامقولاتی آن الفاظ باشد. فهم زمینه‌های بکارگیری یک لفظ خاص و حساس می‌تواند به تفسیر فهم یک دوره از یک عملکرد یا بنا کمک شایانی کند.

روش تقرب به منابع در این پژوهش اهمیت دارد.

منابع دسته اول عمده‌ی این پژوهش ۳ متن تاریخی هستند: جامع‌الخیرات، تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد. هدف اصلی این پژوهش بازخوانی ارجاعات دو منبع اخیر به مجموعه‌ی شمسیه‌ی یزد در تطبیق با یکدیگر است. اگرچه وصف شمسیه در جامع‌الخیرات به طور مستقیم موضوع پرسش این پژوهش نیست، اما اهمیت آن به عنوان وقفنامه‌ی این مجموعه که به دستور بانیان مجموعه تهیه شده است، بالاست. رمزگشایی برخی تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان دو متن تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد بدون بررسی جامع‌الخیرات تقریباً ناممکن خواهد بود. در حال حاضر سه نسخه‌ی تصحیح‌شده از این وقفنامه در دسترس است؛ نسخه‌ی اول، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار [1] است که از روی نسخه‌ی نویسنده‌ی علی محمد وزیری تصحیح شده است. ۴ سال بعد ترجمه‌ای از این نسخه به زبان فارسی توسط محمد غضبان صورت گرفت [19] و سرانجام ایرج افشار در کتاب یادگارهای یزد، ذیل معرفی مدرسه‌ی رکنیه، نسخه‌ای اصح از این وقفنامه را - که شامل اصلاح برخی خطایای نسخه‌ی ۱۳۴۱ بود - آورد [6]. با توجه به اهمیت جامع‌الخیرات در رمزگشایی از توصیفات دو متن جعفری و کاتب، در گام نخست اجزاء مجموعه‌ی شمسیه در این وقفنامه بازشناخته می‌شوند. در گام دوم اجزاء شمسیه در دو متن جعفری و کاتب فهرست می‌شوند و تفاوت‌های کلیدی این ۲ متن با هم و با جامع‌الخیرات مورد مذاقه قرار می‌گیرند. در گام سوم فرضیاتی برای این تفاوت‌ها ارائه خواهد شد که بعضاً مبتنی بر تغییرات کالبدی طی زمان است و بعضاً مبتنی بر خوانش متفاوت کاتبان و نویسندگان از مجموعه. در

نیز در این وقفنامه تحت عنوان واحدی یاد نشده است؛ تنها در موارد معدودی در صفحات ۴۷۰ و ۴۸۵ نسخه‌ی یادگاراها، به مجموعه‌ی ابنیه‌ی واقع در «سر کوچه بهروک» با عنوان «ابواب الخیر» و یا «بقاع خمس» اطلاق شده است [6] که نمی‌توان مدلول این عبارت را کل ابنیه‌ی واقع در این مجموعه دانست؛ چرا که منظور از بقاع خمس به وضوح، ۵ بنای خاص وقفی (مدرسه، بیت‌الادویه، دارالکتاب، دارالسیاده و خانقاه) است و الفاظی چون «ابواب‌البر» و «ابواب‌الخیر» عموماً بر بناهای وقفی (و نه بناها و اراضی موقوف بر این ابنیه) اطلاق می‌شده است. البته موقوفات حاضر در این مجموعه در قسمت‌های دیگری از متن جامع‌الخیرات به چشم می‌خورند. اجزاء تشکیل‌دهنده‌ی شمسیه در وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات - اعم از ابواب‌الخیر و موقوفه - در جدول ۱ فهرست شده‌اند.

با توجه به جدول فوق می‌توان مجموعه‌ی شمسیه را مطابق وقفنامه‌اش، واجد یک مدرسه (شامل کتابخانه و داروخانه)، یک دارالسیاده، یک خانقاه و تعدادی از موقوفاتشان دانست؛ این موقوفات به نوبه‌ی خود شامل این مواردند: یک حمام، یک کاروانسرا، یک ساباط، یک آغل، دو خانه، دو باغچه و سه باغ.

شمسیه در تاریخ یزد جعفری

«تاریخ یزد» (و چنانچه جلوتر مشاهده خواهد شد، «تاریخ جدید یزد» نیز) از شمسیه به روشنی و در قالب مجموعه‌ای واحد یاد می‌کند؛ جعفری از این مجموعه با نام «مدرسه شمسیه و بازار چهارمنار و حمام و کاروانسرا» یاد کرده است و اجزای آن را در صفحات ۱۱۰ و ۱۱۱ این متن چنین وصف می‌کند: «ذکر مدرسه شمسیه و بازار چهارمنار و حمام و کاروانسرا و دیگر عمارات او در ممالک ... و در تبریز طرح مدرسه‌ی چهارمنار و دارالسیاده و خانقاه و بازار و حمام بینداخت و به یزد فرستاد و بنایان عمارت بنیاد کردند و دو مدرسه در مقابل یکدیگر بساخت و چهار منار بر اطراف هر دو مدرسه بنهادند، و بازاری دورویه و آب تفت در میان بازار جاری گردانید و خانقاه و در جنب آن مدرسه ساباط عالی ساخته و بکاشی تزیین داده و حمام و دکانها و کاروانسرای نیکو ساز داده.» [2]. اجزای این مجموعه طبق متن جعفری را می‌توان در دو قسمت فهرست کرد: ۱. طرحی که از تبریز فرستاده شد ۲. آنچه گزارش ساختنش در ادامه آمد (جدول ۲).

گام نهایی این فرضیات از طریق استدلال منطقی و روش تفسیری تاریخی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

یک تکنیک مهم در روش پژوهش این مقاله، آزمایش فرضیه‌ها و حدس‌ها از طریق بررسی کلیت دو متن است؛ به این معنی که اگر حدس زده شد توصیف الف بر اثر عامل ب در متن شکل گرفته باشد، بازتاب احتمالی عامل ب بر بقیه‌ی متن در نظر گرفته و در تمامی متن جستجو می‌شود. برای مثال، اگر حدس زده شد کاهش اهمیت حمام در متن کاتب بر اثر کم‌اهمیت‌تر شدن حمام در متن او بوده، اثر این امر در بقیه‌ی متن کاتب نیز جستجو می‌شود و در صورت عدم مشاهده‌ی این اثر، فرضیه کمرنگ‌تر می‌شود. دلیل بکارگیری این تکنیک این است که برای استدلال‌ها به تنها یک یا دو شاهد پراکنده استناد نشود - چرا که برای خیلی از فرضیات متضاد می‌توان اقلاً یک یا دو شاهد تاییدکننده یافت؛ آنچه فرضیه را قابل اعتنا می‌کند، مطابقت آن با کلیت متن خواهد بود.

یافته‌ها

بازخوانی شمسیه در اسناد تاریخی - بازخوانی کالبد بجای‌مانده از شمسیه: آنچه از ابنیه‌ی این مجموعه امروز به چشم می‌خورد، بنایی موسوم به مدرسه و بقعه‌ی سید شمس‌الدین و ایوانی در کنار حسینیه‌ی ملتکیه است. سابقه‌ی این دو بنا را می‌توان به ظن قوی به قرن ۸ قمری (زمان ساخت شمسیه) رسانید. در کنار این دو اثر، ابنیه‌ی دیگری نیز از سده‌های بعد به جای مانده‌اند که کاربری‌هایی مشابه آنچه در متون تاریخی ذکر شده است دارند و می‌توانند به عنوان سرخ‌های احتمالی عمل کنند: ممکن است برخی از این ابنیه‌ی قدیمی حاصل بازسازی بر روی ویرانه‌های ابنیه‌ی متعلق به قرن ۸ قمری باشند. حسینیه‌ی ملتکیه، حمام چهارمنار، دو بازارچه‌ی کوچک سرپوشیده‌ی ساباطدار، و کاروانسرای - که امروزه به جای آن پارک و زمین ورزشی ساخته‌اند - از جمله‌ی این آثار هستند که در شکل هوایی سال ۱۳۶۵ به چشم می‌خورند (شکل ۱).

شمسیه در جامع‌الخیرات

متن جامع‌الخیرات اجزاء مختلف مجموعه‌ی شمسیه را یکجا وصف نمی‌کند، بلکه از این اجزاء به صورت پراکنده و در قسمت‌های مختلف متن یاد کرده است. از کلیت این مجموعه

جدول ۲: قیاس گزارش طرح و اجرای شمسیه بر اساس گزارش جعفری در صفحات ۱۱۰ و ۱۱۱ [2]

ردیف	اندام	طرح از تبریز	گزارش ساخت
۱	مدرسه	مدرسه چهارمنار	دو مدرسه در مقابل یکدیگر
۲	منار		چهار منار بر اطراف هر دو مدرسه
۳	دارالسیاده	دارالسیاده	-
۴	خانقاه	خانقاه	خانقاه
۵	بازار	بازار	بازاری دورویه... و دکانها و...
۶	نهر		آب تفت در میان بازار
۷	حمام	حمام	حمام
۸	کاروانسرا		کاروانسرای نیکو
۹	ساباط		در جنب آن مدرسه ساباط عالی ساخته و به کاشی تزیین داده
۱۰	تزیین کاشی		

برخی نکات پرسش‌برانگیز در توصیف جعفری از شمسیه به شرح زیر آمده است:

- **اضافه شدن برخی اندام‌ها در گزارش ساخت:**
آب جاری تفت، ساباط مزین به کاشی و کاروانسرا مواردی بودند که در طرح تبریز ذکر نشدند ولی در گزارش ساخت آمدند.
- **حذف نام دارالسیاده در گزارش ساخت و افزایش تعداد مدارس:** در طرح از دارالسیاده نام برده شد ولی در اجرا اسمی از آن نمی‌آید؛ از سوی دیگر در وصف اجرا، از «دو» مدرسه در مقابل یکدیگر یاد شده است.
- **کم‌اعتنایی نسبی به خانقاه در وصف ساخت:**
در حالی که اکثر اندام‌های مذکور در وصف اجرا تا حدودی با جزییات و به تفصیل یاد شده‌اند، خانقاه تنها در حد نام مجدداً نام برده شد. در کنار حذف نام دارالسیاده، شاید بتوان این تأکید کم را واجد معنی دانست.

شمسیه در تاریخ جدید یزد کاتب

کاتب در صفحه ۱۱۸ تاریخ جدید یزد، از این مجموعه با عنوان «مدرسه‌ی شمسیه و دارالسیاده و خانقاه و حمام و بازار و کاروانسرا» یاد کرده است. روی هم رفته وصف «تاریخ جدید یزد» از شمسیه بسیار مشابه وصف جعفری است، اما با خرده تفاوت‌هایی:

«ذکر مدرسه شمسیه و دارالسیاده و خانقاه و حمام و بازار و کاروانسرا

چون امیر شمس‌الدین محمد در تبریز استقلال یافت طرح مدرسه و دارالسیاده و چهار منار و خانقاه و بازار بینداخت و به یزد فرستاد و قاضی چهاردیه که از امنای او بود [ند] تعیین فرمود و به یزد آمدند و بنیاد عمارت کردند و چهار ساباط عالی بر طرفین مدارس ساز کردند و قریب سی دکان در ضمن آن.

و نهر آب تفت را به تمام و کمال در میان بازار جاری گردانید و بر یک طرف کاروانسرای عالی و بر طرف دیگر حمامی نیکو به رسم رجال بساخت و آن حمام به واسطه‌ی سیل اکنون خراب است.

و منار اربعه را به کاشی سبز تمام کردند و در دارالسیاده آب نرسوباد جاری کردند و کتابه‌ی کاشی تراشیده بر طرف بازار بینداخت و ساباط بنهادند و موقوفات بر آن ثبت کردند. [3].
توصیف کاتب از شمسیه نیز همچون جعفری دو پاره‌ی «طرح» و «ساخت» دارد. اجزاء مذکور در این دو پاره‌ی وصف را می‌توان در جدول ۳ خلاصه کرد.

برخی نکات تأمل‌برانگیز توصیف کاتب از شمسیه به شرح زیر است:

- **حذف خانقاه در گزارش ساخت:** اگر در متن جعفری به ساخت خانقاه کم‌اعتنایی شد، متن کاتب خانقاه را به کلی از قسمت گزارش ساخت حذف کرده است.

شدند یا آن را در بر گرفتند (همچون کاشی بر منار و ساباط که بازار در ضمن آن ساخته می‌شد).

تفاوت‌های شمسیه در تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد

تفاوت در عناوین

در ساحت قیاس، شاهد تفاوت‌هایی بین متن جعفری و کاتب هستیم. اولین تفاوت را در ذکر عنوان مجموعه در دو متن می‌توان دید: جعفری به مدرسه و بازار در محله‌ی چهارمنار به انضمام حمام و کاروانسرا اشاره داشته است. نام خانقاه و دارالسیاده در عنوان این مجموعه در متن جعفری نیامد؛ در حالی که کاتب به دارالسیاده و خانقاه در عنوان مجموعه نیز اشاره می‌کند. البته طبیعی است که در عنوان وصف یک مجموعه، تلخیص‌هایی صورت بگیرد و از ذکر همه‌ی عناصر خودداری شود؛ اما پرسش اینجاست که چرا در میان این عناصر، جعفری ترجیح داده است خانقاه و دارالسیاده را از قلم بیاندازد. این موضوع مهم‌تر نیز خواهد بود اگر به یاد آورده شود که سه عنصر مدرسه، دارالسیاده و خانقاه، ارکان اصلی مجموعه‌ی شمسیه در متن جامع‌الخیرات بودند و عناصری چون کاروانسرا و حمام نسبت به آنها در وقفنامه در حاشیه قرار می‌گرفتند.

• **موارد مضاف بر طرح:** حمام، نهر آب تفت و آب نرسوباد، ساباط و کتیبه‌ی کاشی و کاروانسرا، عناصری هستند که در طرح فرستاده از تبریز به چشم نمی‌خورند.

• **عدم ذکر مدرسه و دارالسیاده به طور مستقل:** در گزارش ساخت اگر ذکری از مدرسه آمده، برای ذکر ساباطی بوده که بر ۴ طرف آنها ساخته شده، و اگر ذکری از دارالسیاده در آخر آمد، برای اشاره به آب نرسوباد بود.

• **بازار در سایه‌ی ساباط ذکر شد:** بازار در این گزارش مرکب بوده است از «۳۰ دکان در ضمن آن» که ضمیر آن احتمالا به ساباطی اشاره دارد که گزارش ساختش درست پیش از بازار آمد. به نظر می‌رسد اینبار ساباط بستری برای حضور بازار شده است.

با توجه به این موارد می‌توان گفت متن کاتب از هیچ یک از اجزای مذکور در طرح تبریز به طور مستقل در گزارش ساخت یاد نمی‌کند. ذکر دارالسیاده، مدارس، منارها و بازار نیز هر یک منوط به ذکر اندامی دیگر بودند که بر عنصر قبلی افزوده

جدول ۳: قیاس گزارش طرح و ساخت شمسیه در تاریخ جدید یزد بر اساس گزارش کاتب در صفحه ۱۱۸ [3]

ردیف	اندام	طرح از تبریز	گزارش ساخت	ملاحظات
۱	مدرسه	مدرسه	مدارس	
۲	منار	چهار منار	منار اربعه به کاشی سبز تمام کردند	
۳	دارالسیاده	دارالسیاده	در دارالسیاده آب نرسوباد جاری کردند	
۴	خانقاه	خانقاه	خانقاه	
۵	بازار	بازار	قریب ۳۰ دکان در ضمن آن (ساباط)	
۶	کتابه کاشی		کتابه کاشی تراشیده بر طرف بازار ساباط بنهادند	
۷	نهر		نهار آب تفت در میان بازار	
۸	آب نرسوباد		در دارالسیاده آب نرسوباد جاری کردند	
۹	حمام		بر طرف دیگر حمامی به رسم رجال	در زمان کتابت خراب شده بود.
۱۰	کاروانسرا		بر یک طرف کاروانسرای عالی	
۱۱	ساباط		چهار ساباط عالی بر طرفین مدارس... و کتابه‌ی	
۱۲	تزئین کاشی		کاشی تراشیده بر طرف بازار ساباط بنهادند و موقوفات بر آن ثبت کردند.	

تفاوت در اندام‌ها

سه اندام در متن کاتب ذکر شده است که در متن جعفری به چشم نخورده: ۱. آب نرسوباد در دارالسیاده ۲. کاشیکاری بر منارها ۳. کتیبه‌ی ثبت موقوفات در بازار ساباط. پرسش اینجاست که دلیل ذکر این موارد مضاعف در متن کاتب برخلاف متن جعفری چیست؟ یک فرضیه می‌تواند تفصیل بیشتر وصف کاتب نسبت به وصف جعفری باشد. فرضیه‌ای دیگر هم می‌تواند این باشد که این بخش‌ها پس از نگارش تاریخ یزد و پیش از نگارش تاریخ جدید به این مجموعه اضافه شدند.

تفاوت در تأکیدها

در حالی که جعفری «حمام» را نیز جزو مفاد طرح فرستاده شده از تبریز ذکر کرده است، کاتب از حمام تنها در بخش ساخت یاد کرده و آن را البته مردانه ذکر کرده است. به نظر می‌رسد در این قسمت با کاهش اهمیت حمام در متن کاتب مواجهیم. از سوی دیگر متن کاتب در گزارش ساخت هیچ یادی از خانقاه نمی‌کند و جعفری به طریقی مشابه در گزارش ساخت اشاره‌ای به دارالسیاده نکرده است. منارها نیز در متن کاتب استقلال بیشتری یافته‌اند و اقلاً در بیان، از صرف افزونه‌ای بر مدارس اهمیت بیشتری یافته‌اند. حتی از کاشی‌کاری بر این اندام‌ها یاد شده است. به نظر می‌رسد روی هم رفته متن کاتب به خانقاه و حمام عنایت کمتری داشته است، ولی برای دارالسیاده و منارهای مجموعه اهمیت بیشتری قائل شده.

با وجود این اختلافات، این دو متن در مقابل وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات شباهت مهمی نیز با یکدیگر دارند؛ در هر دو منبع، وزن عناصری چون حمام و کاروانسرا و بازار بالا و اقلاً هم‌وزن مدرسه و خانقاه هستند. این درحالی است که وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات، قلب مجموعه‌ی شمسیه را «بقاع خمس» یا ۳ بنای مذهبی آن می‌داند: مدرسه (که خود شامل داروخانه و کتابخانه نیز می‌شده است)، دارالسیاده و خانقاه. بقیه‌ی اجزاء مجاور این سه بنای اصلی، در حاشیه قرار می‌گرفته‌اند و نقش خدمت‌رسانی به آنها را داشته‌اند. اما متون جعفری و کاتب نقش کاروانسرا، بازار و حمام را بسیار کلیدی هم‌ارز آن سه بنای مذهبی ذکر کرده‌اند؛ حتی جعفری در گزارش ساخت به خانقاه اشاره‌ای بسیار گذرا دارد، در حالی

که به بازار و آب تفت که از میانش می‌گذرد اشارات دقیق‌تری می‌کند. اهمیت عناصری حاشیه‌ای مثل منار در متن کاتب و جعفری نیز پررنگ می‌شود در حالی که وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات دلیلی برای اشاره به منار در خود نمی‌بیند.

تحلیل مقایسه‌ای نتایج

پس از بازخوانی توصیفات و بررسی تفاوت‌هایشان، می‌توان پرسید کدام جنبه‌های مجموعه‌ی شمسیه یزد مورد توافق شواهد و اسناد تاریخی است، و کدام جنبه‌ها محل اختلاف؟ تا بدینجا می‌توان به صراحت و بر مبنای توافق اسناد متنی و کالبدی گفت مجموعه‌ی شمسیه شامل مدرسه و بقعه‌ای بوده که احتمالاً بقعه‌ی موسوم به سید شمس‌الدین همان بناست. همچنین مجموعه شامل خانقاه، کاروانسرا، حمام، بازار، جوی آب تفت نیز بوده که مورد اخیر احتمالاً جوی آب وقفاباد باشد که تا دهه‌ی ۵۰ شمسی هنوز آثار آن مشهود بود [20]. از محل دقیق این ابنیه امروز اطلاع دقیقی در دست نیست و تنها می‌توان به حدس و گمان‌هایی بسنده کرد. حضور بنایی دیگر نیز محرز است که در جامع‌الخیرات به دارالسیاده‌ی اشاره شده و در تاریخین به مدرسه‌ای مضاف بر مدرسه‌ی قبلی. در مورد تعداد و کیفیت این ابنیه‌ی دیگر نمی‌توان پیش از تفاسیر پیش رو، اتفاق نظری روشنی بین اسناد یافت.

با عنایت به اختلافاتی که در پایان بخش یافته‌های این مقاله، بین متون تاریخی ذکر شد، اینک این پرسش مطرح است که دلیل این تفاوت‌ها بین توصیفات در چیست؟ و پیش از این پرسش، سوالی دیگر مطرح است که چرا هم توصیف جعفری و هم توصیف کاتب، از دو پاره‌ی طرح و ساخت برخوردارند؟ در فرضیه‌ای می‌توان این دو بخش را مکمل هم دانست که لزومی برای تطابق عینی دو متن با یکدیگر نبوده است؛ برای مثال شاید گزارش اجرا صرفاً صورت تفصیلی‌تر طرح فرستاده‌شده از تبریز بوده است. اما این پرسش باقی می‌ماند که چرا با افزایش تعداد مدارس در وصف ساخت هر دو تاریخنامه مواجهیم – امری که نمی‌توان توجیهش را صرفاً در تفصیل طرح جست. در فرضیه‌ای دیگر اما می‌توان به تفاوت عینی میان طرح و اجرا در عصر مورد بحث قائل شد؛ این‌که شاید طرح‌های فرستاده‌شده لزوماً عین به عین ساخته نمی‌شدند. در فرضیه‌ای دیگر شاید بتوان موارد مطرح‌شده در

این دو دسته عناصر شمسیه. اما اگر در تمامی وصف شمسیه از ابتدا مذاقه شود، مشاهده می‌شود که نظم استفاده از شناسه‌های افعال مغشوش‌تر از آن است که نتیجه‌ی روشنی به دست بدهد (شکل ۲).

چون امیر شمس‌الدین محمد در تبریز استقلال یافت طرح مدرسه و دارالسیاده و چهار منار و خانقاه و بازار **بینداخت** و به یزد فرستاد و قاضی چهارده که از امنای او **بوداند** تعیین فرمود و به یزد **آمدند** و بنیاد عمارت **کردند** و چهار ساباط عالی بر طرفین مدارس ساز **کردند** و قریب سی دکان در ضمن آن.

و نهر آب تفت را به تمام و کمال در میان بازار جاری **گردانید** و بر یک طرف کاروانسرای عالی و بر طرف دیگر حمامی نیکو به رسم رجال **بیساخت** و آن حمام به واسطه‌ی سیل اکنون خراب است.

و منار اربعه را به کاشی سبز تمام **کردند** و در دارالسیاده آب نرسوباد جاری **کردند** و کتابه‌ی کاشی تراشیده بر طرف بازار **بینداخت** و ساباط **بنهادند** و موقوفات بر آن ثبت **کردند**.

شکل ۲: بررسی افعال جمع (قرمز) و مفرد (آبی) در وصف شمسیه در گزارش کاتب در صفحه ۱۱۸ کتاب تاریخ جدید یزد [3]

فهم اسلوب استفاده از شناسه‌های مفرد و جمع در این توصیف، نیازمند پژوهشی مستقل است که مجال آن در این مقاله نیست. اما بهرروی نمی‌توان آن را در حال حاضر به الحاقات و تعمیرات بعدی لزوماً نسبت داد، چرا که افعال منسوب به ساختن مدارس و ساباط‌ها و دکان‌ها نیز با شناسه‌ی جمع ذکر شدند.

نکته‌ی تامل‌برانگیز دیگر، قیاس بین جعفری و کاتب در نوع ذکر ممرهای آبرسانی است. جعفری در صفحات ۱۷۷ الی ۱۸۳ و کاتب در صفحات ۱۸۹ الی ۱۹۶ تاریخنامه‌هایشان، ممرهای آبرسانی یزد را به دو دسته‌ی سطحی و زیرزمینی تقسیم کرده‌اند [2] [3] اما عملاً جعفری جز چهار بنای مسجد جامع (صفحه ۶۰)، خانه‌ی شهاب‌الدین قاسم (صفحه ۶۱)، خانه‌ی خضرشاه (صفحه ۸۵) و مدرسه‌ی عبدالقادریه (صفحه ۱۸۵) [2]، اشاره‌ای به ساختمان‌هایی که از آب‌های زیرزمینی بهره‌برده‌اند نمی‌کند. در مقابل، کاتب از اقلاً ۱۵ مورد استفاده از آب‌های زیرزمینی یزد همچون نرسوباد، آب وزیر و آب نو می‌کند، برای مثال تنها برای یک قنات «آب نو»، از ۵ بنا یاد می‌کند که از این آب بهره‌می‌برند: مسجد سرریگ (صفحه ۱۰۷)، مدرسه‌ی عبدالقادریه (صفحه ۱۲۸)، مدرسه‌ی حاجی ابوالمعالی و مدرسه‌ی اصیلیه‌ی دهوک (صفحه ۱۳۰) و امامزاده معصوم (صفحه ۱۴۰) [3]. سایر قنات‌ها نیز در بخش‌های مختلف یاد می‌شوند. این تفاوت آشکار در شدت اشاره به آب‌های زیرزمینی، دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد که در حوصله‌ی این مقاله نیست، اما

گزارش ساخت را موارد الحاقی بعدی دانست؛ به عبارتی طبق این فرضیه، پس از ساخت اولیه‌ی مجموعه به دستور شمس‌الدین، بعداً عناصری دیگر به مجموعه اضافه شدند که در طرح اولیه نبودند. بخشی از این فرضیه‌ها در مذاقه‌های پیش رو مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

تفاوت‌های تاکیدی: رمزگشایی از وصف آب نرسوباد

در خصوص برخی از این تفاوت‌ها می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که کاتب نسبت به جعفری با جزئیات بیشتری به وصف مجموعه‌ی شمسیه پرداخته است. اما در خصوص جاری شدن آب نرسوباد در دارالسیاده به سختی می‌توان این فرضیه را جدی گرفت؛ چرا که آب جاری تفت در میان بازار به عنوان عنصری هم‌ارز این موضوع، در توصیف جعفری یاد شده است. پرسش اینجاست که آیا ممکن است بین نگارش دو تاریخنامه، چیزی عوض شده باشد که باعث ذکر قنات نرسوباد در تاریخ جدید یزد بشود؟ نکته‌ی جالب توجه اینجاست که با وجود ذکر آب نرسوباد در وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات و وقف بخشی از آب آن بر مدرسه و خانقاه شمسیه، هیچ سهمی از این قنات بر دارالسیاده وقف نشده بود [6]. برای تفسیر این تفاوت، دو فرضیه‌ی اصلی مطرح می‌شود:

۱. تغییرات ناشی از سیل سال ۸۶۰ هجری
۲. تغییرات ناشی از الحاقات بنیان بعدی مجموعه
۳. توجه بیشتر کاتب به قنات‌های یزد یا قنات نرسوباد به طور خاص

طبق صفحه‌ی ۱۹۶ در متن کاتب، قنات نرسوباد در سال ۸۶۰ ه.ق بر اثر سیل ویران شد و سپس مورد بازسازی قرار گرفت [3]. می‌توان متصور شد که پس از تعمیرات قنات نرسوباد در پی سیل، ممر آب را به این بنا کشیده‌اند. یا شاید قنات نرسوباد پیش از سیل نیز به دارالسیاده آبرسانی می‌کرده است اما دلیل افزایش اهمیت آن در گزارش کاتب، انجام تعمیرات و احیای آن پس از سیل سال ۸۶۰ هجری است.

نحوه‌ی بکارگیری افعال در توصیف شمسیه به روایت کاتب، ممکن است روشن‌گر باشد. برای مثال، جاری شدن آب تفت در بازار شمسیه و ساختن حمام مردانه‌ی شمسیه با افعال مفرد یاد شدند، اما کاشیکاری منار، کتیبه‌سازی ثبت موقوفات و کشیده شدن آب نرسوباد همگی با افعال جمع ذکر شده‌اند. این مهم می‌توانست ملاک خوبی باشد برای تفکیک عاملان

دوم دانست که بخاطر ذکرش در ابتدای گزارش ساخت، نیازی به ذکر آن در ادامه دیده نمی‌شد.

شاهد دومی که می‌تواند این امر را تقویت کند آن است که وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات، دارالسیاده‌ی شمسیه را ذیل مدارسی ذکر کرده که سید شمس‌الدین در کشور ساخت. این بدان معنی است که جای تعجبی ندارد که دارالسیاده یک «مدرسه» بازشناخته شود. شاهد سوم این موضوع آن است که طبق متن جعفری، دو مدرسه‌ی شمسیه روبروی هم قرار می‌گرفته‌اند، و در متن جامع‌الخیرات نیز دارالسیاده محاذی (روبروی) مدرسه قرار داشته است. با توجه به این شواهد می‌توان به احتمال قریب به یقین، دارالسیاده‌ی شمسیه را همان مدرسه‌ی دومی دانست که جعفری و کاتب از آنها یاد می‌کنند.

از ابنیه‌ی باقیمانده از قرن هشتم در محله‌ی چهارمنار، یکی سردر ملکیه است (شکل ۲) که تناسبات و شکل تاق آن مشابه ابنیه‌ی قرن ۸ یزد است و با توجه به آنکه روبروی مدرسه و بقعه‌ی کنونی شمسیه در آن سوی کوچه‌ی شیرغلامی قرار دارد، می‌توان حدس قوی‌ای زد مبنی بر اینکه این سردر متعلق به مدرسه‌ی دوم این مجموعه یا همان دارالسیاده‌ی شمسیه بوده باشد. این ظن نیز وجود دارد که پایایی که نزدیک این سردر و کنار حسینیه‌ی ملکیه قرار گرفته است (شکل ۳)، به قنات نرسوباد مذکور در متن کاتب ارتباط داشته باشد.

در صورت قبول اینکه مدرسه‌ی دوم شمسیه همان دارالسیاده‌ی مذکور در وقفنامه است، این پرسش مطرح می‌شود که چرا نوع ذکر این عنصر در طی یک قرن تغییر کرده است؟ کلید پاسخ این سوال در فهم کارکرد «دارالسیاده»ها نهفته است. دارالسیاده‌ها به عنوان مراکزی برای حمایت از سادات در سراسر کشور، در دوران غازان خان ایجاد شدند. به غیر از انگیزه‌های مذهبی و فرهنگی، احتمالاً انگیزه‌های سیاسی نیز در شکل‌گیری آنها نقش پررنگی داشته است [21]. یکی از انگیزه‌های سیاسی پشت این دارالسیاده‌ها، سازمان‌دهی سادات برای بهره‌برداری سیاسی دربار ایلخانی بود. منسینی‌لندر سقوط اتابکان در یزد را به قدرت‌گیری سادات توسط دربار ایلخانی نسبت می‌دهد [15].

می‌تواند آشکار کند که احتمالاً دلیل عدم اشاره به آب نرسوباد از سوی جعفری، مربوط به رویه‌ی کلی این مورخ در ذکر کم‌فروغ آب‌های زیرزمینی یزد است.

به همین ترتیب، اگر فرضیه‌ی ذکر الحاقات و تعمیرات در متن کاتب را کم‌رنگ بدانیم، می‌توان اشاره به کاشیکاری منارهای چهارگانه‌ی شمسیه در متن کاتب را نیز نشان‌دهنده‌ی توجه بیشتر این مورخ به جزئیات تزئینی دانست.

تحولات اجتماعی: از دارالسیاده تا مدرسه

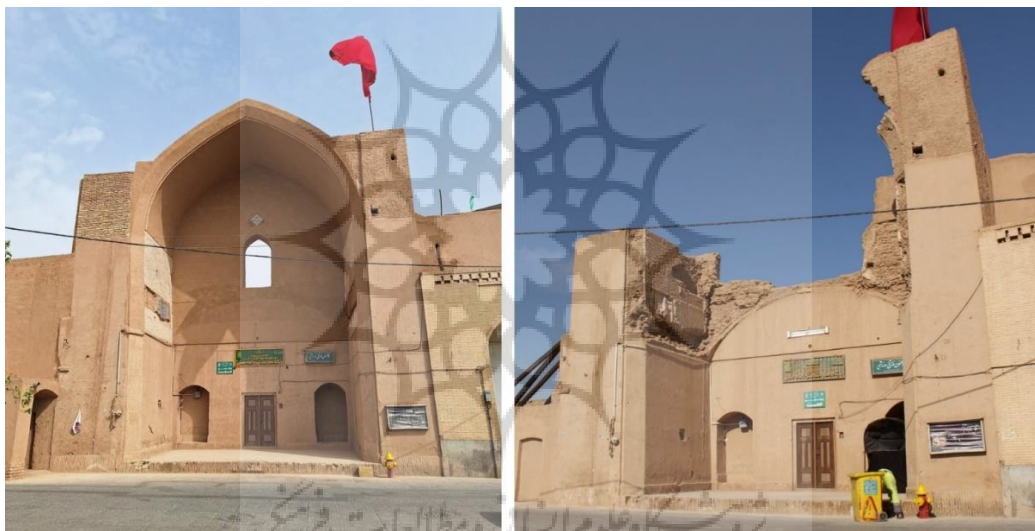
شاید پررنگ‌ترین تفاوت وصف در بین سه متن، این باشد که جعفری و کاتب از دو مدرسه یا مدارسی در این مجموعه یاد می‌کنند، در حالی که وقفنامه‌ی مرتبط با این مجموعه از چنین چیزی یاد نمی‌کند. طبق جدول ۱، مجموعه‌ی شمسیه - به غیر از موقوفاتش در محل، شامل ۳ بناست: مدرسه، خانقاه و دارالسیاده. حال باید پرسید چطور تعداد مدارس از متن وقفنامه تا متن دو تاریخنامه افزایش یافته است؟

اولین نکته‌ی تامل‌برانگیز شاید آن باشد که مدرسه‌ی مذکور در وقفنامه خود شامل دو بقعه‌ی دیگر بوده است: دارالکتاب (کتابخانه) و بیت‌الادویه (داروخانه). آیا ممکن است مقصود از مدرسه‌ی دوم در متن جعفری یا «مدارس» در متن کاتب، بخشی از همین تاسیسات مضاعف درون مدرسه بوده باشد؟ عدم ذکر این دو بقعه در متون جعفری و کاتب می‌تواند این فرضیه را جدی‌تر کند. از طرف دیگر، از آنجایی که متن وقفنامه این دو بقعه را ذیل مدرسه‌ی شمسیه ذکر کرده بود، می‌توان این احتمال را داد که همگی این مجموعه با هم تحت عنوان «مدرسه» یاد می‌شده‌اند و لزومی نداشته که از این بنای ۳بقعه‌ای با عنوان «مدارس» یاد شود؛ چنانچه خود وقفنامه هیچ‌گاه از مدرسه‌ی شمسیه به صورت جمع یاد نکرده است [1].

اگر مقصود از مدرسه یا مدارس دیگر مجموعه، بیت‌الادویه و دارالکتاب نبوده باشد، باید گزینه‌ی مناسب دیگری برای تغییر تعبیر یافت. سرخ اول را می‌توان در متن جعفری یافت؛ متن جعفری، پس از شرح طرح فرستاده شده از تبریز، به شرح ترتیب ساخت این تاسیسات می‌پردازد و چنانچه دیده شد، در گزارش ساخت یادی از دارالسیاده نمی‌کند [2]. شاید در صورت حضور شواهد دیگر، بتوان دارالسیاده را همان مدرسه‌ی

«مدرسه» می‌ساخته است، اما شرایط متفاوت حاکم بر قرن ۸ و ۹، باعث حضور دو مدل شناختی ایده‌آل متفاوت بوده و همین امر باعث شده که در قرن ۸- با توجه به حضور دولت مرکزی ایلخانی و حمایت پایتخت از سادات - وجه «دارالسیاده بودن» این بنا پررنگ‌تر شود، در حالی که در قرن ۹ و با فقدان چنین دولت مرکزی و پروژه‌ی حمایت از سادات، این وجه بنا کمرنگ شده و مجالس وعظ یا حتی استفاده‌های جدیدی که از آن می‌شده است، باعث شده وجه «مدرسه بودن» این بنا پررنگ شود و لفظ دارالسیاده کمتر - و صرفاً به عنوان یک اسم خاص - به آن اطلاق گردد.

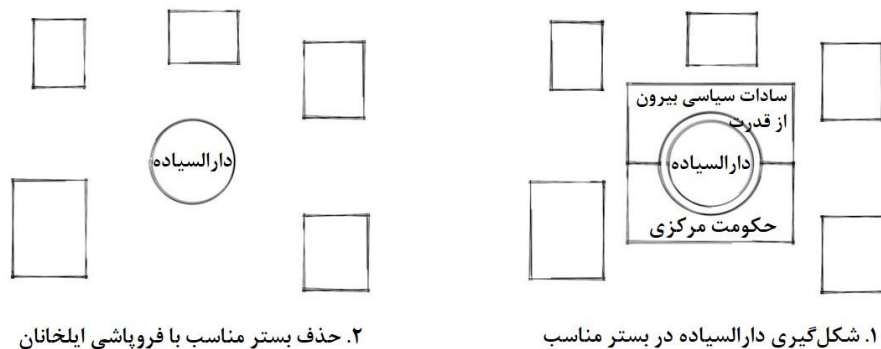
با سقوط سلسله‌ی ایلخانی، دلیل وجودی دارالسیاده‌ها تقریباً زوال یافت. در برخی نقاط همچون یزد، ساداتی چون عریضی‌ها خود به بازیگران مهم سیاسی بدل شده بودند و دیگر نه نیازی به دارالسیاده به عنوان مرکزی جهت تقویت سادات بود و نه دولتی مرکزی وجود داشت که انگیزه‌های سیاسی لازم جهت تقویت آنها را داشته باشد. احتمالاً این موضوع باعث کاهش رونق دارالسیاده‌ها شده بوده باشد. دارالسیاده‌ی شمسیه اگرچه در متون قرن نهم هنوز ذکر می‌شود، اما از نقش آن به عنوان مرکز حمایت از سادات نامی به میان نمی‌آید و به جای آن، به عنوان «مدرسه» یاد می‌شود. نظر به تئوری جورج لیکاف، احتمالاً این بدان معنی بوده که این بنا، شامل وجوهی بوده که آن را هم «دارالسیاده» و هم



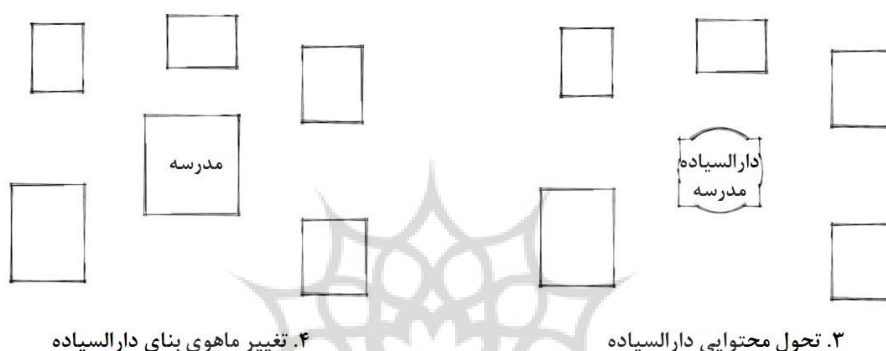
شکل ۳: سردر بجای‌مانده از قرن هشتم، روبروی بقعه سید شمس‌الدین. پیش از مرمت (راست) و پس از مرمت (چپ). عکس از نگارندگان



شکل ۴: موقعیت پایاب نزدیک به سردر بجای‌مانده از قرن ۸. عکس از نگارندگان



۲. حذف بستر مناسب با فروپاشی ایلخانان



۴. تغییر ماهوی بنای دارالسیاده

شکل ۵: روند تغییر ماهوی دارالسیاده‌ها پس از فروپاشی نظام سیاسی ایلخانان

تأثیر سیل: کاهش اهمیت حمام

تاکید کاتب بر این عنصر نسبت به جعفری بوده باشد. به احتمال قوی زمانی که کاتب در خصوص این حمام می‌نوشته با خرابه‌ای در کناره‌ی مجموعه مواجه بوده که ارزش ذکر آن کاهش یافته بود. می‌توان کاهش اهمیت حمام شمسیه در متن کاتب را تحت اثر خرابی‌های سیل دانست.

روی هم رفته می‌توان عوامل خارجی موثر بر تفاوت‌های میان دو متن جعفری و کاتب را در دو عامل اصلی خلاصه کرد: ۱. تحولات اجتماعی ناشی از فروپاشی ایلخانان ۲. تأثیر ویرانگر سیل سال ۸۶۰ هجری قمری و تعمیرات پس از آن (شکل ۶). مطابق شکل ۶، پس از سیل سال ۸۶۰، اهمیت حمام در گزارش‌های تاریخی به سمت محاق می‌رود. با پایان حکومت ایلخانی در نیمه‌ی نخست قرن ۸، زمینه‌های حضور دارالسیاده کمرنگ می‌شود و لذا وجه مدرسه‌بودن این بنا پرتنگ‌تر می‌شود و تدریجاً از دارالسیاده تا نیمه‌ی قرن نهم به عنوان «مدرسه» یاد می‌شود. دلیل کاهش اهمیت خانقاه در متن‌های تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد قدری مبهم‌تر است، ولی می‌توان این را مبنای فرضیه‌ای اجتماعی گرفت که نیازمند تحقیق

در متن کاتب حمام ذیل طرح فرستاده‌شده از تبریز ذکر نشده است و تنها در گزارش ساخت، به حمامی مردانه اشاره شد که بعداً توسط سیل ویران شد. شاید بتوان این حدس را زد که متن کاتب به طور کلی اهمیت کمتری به حمام می‌دهد، بخصوص که درباره‌ی حمام امیر خضرشاه، حمام ریحانان و وجود حمام در مدرسه‌ی ضیائییه نیز سکوت کرد - که این هر سه در صفحات ۸۷، ۱۰۹ و ۱۱۷ تاریخ یزد به چشم می‌خورند [2]. اما در صورت بررسی جامع دو متن و اشاره به حضور حمام در آنها، اختلاف فاحشی میانشان به چشم نمی‌خورد. متقابلاً متن جعفری نیز از مواردی چون حمام معین‌الدین اشرف در شیخداد یا حمام باغ فیروزی یاد نمی‌کند که در صفحات ۱۰۸ و ۱۸۳ تاریخ جدید یزد یاد شده‌اند [3] و لذا نمی‌توان این حدس مبتنی بر عدم اهمیت کاتب به حمام‌ها را قوی دانست.

اما این واقعیت که حمام شمسیه بین نگارش این دو تاریخ بر اثر سیل ویران شد و دیگر تعمیر نشد، می‌تواند باعث کاهش

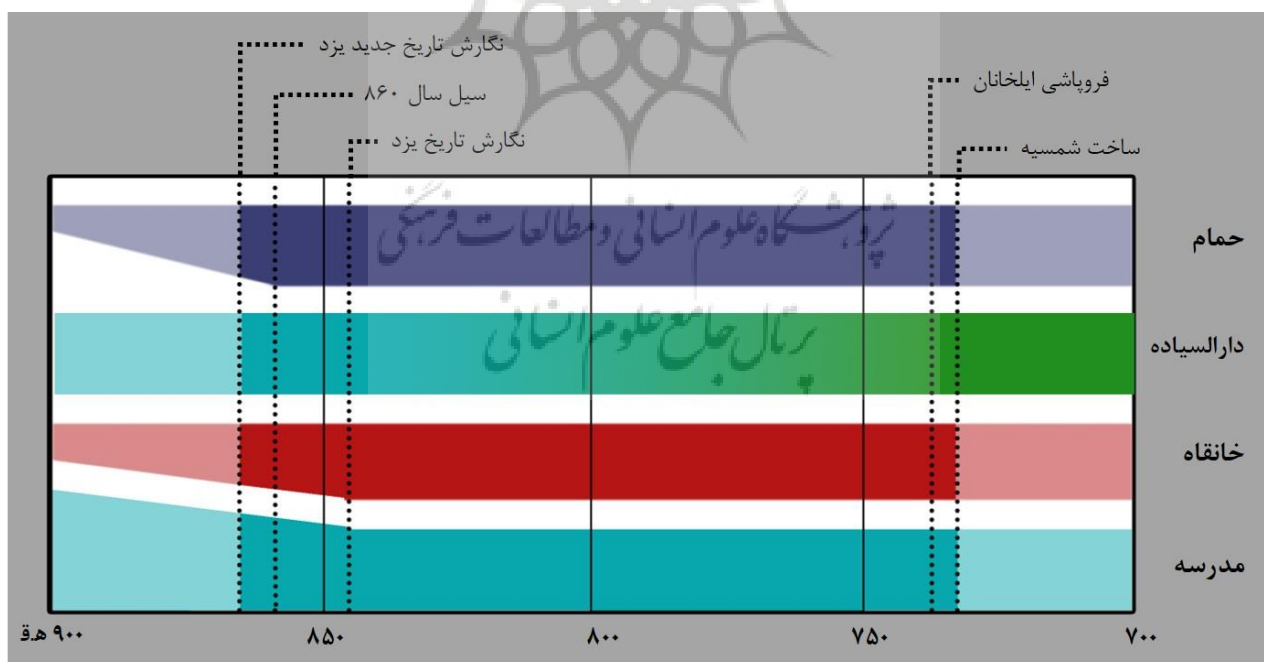
همین دورکن و شرایط وقف است. اهمیت مدرسه، دارالسیاده و خانقاه نیز به عنوان موقوف‌الیه‌های این محله از همین رهگذر بهتر درک می‌شود. اما متن‌های جعفری و کاتب تاریخنانه‌هایی هستند با انگیزه‌ها و اهداف متفاوت. جعفری، یکی از سادات یزد بوده که در خدمت حکام تیموری و عاملان‌شان در یزد خدمت می‌کرده است. به تخمین منسینی‌لندر، معاش امثال جعفری تا حد زیادی به درآمد موقوفات و مزارات متبرک شهر مخدومشان بستگی داشته است و لذا او انگیزه‌ی زیادی داشته است که مزارات یزد و تاسیسات خدماتی کنار آنها را وصف کند [15]. خود وی در مقدمه‌ی اثرش در صفحه ۲۱، انگیزه‌ی نگارش کتابش را ذکر ابنیه‌ی یزد دانسته است:

«چون این تاریخ بنا کردم که در میان خلائق مشهور گردد و خواننده را از تمام عمارات ید که در زمان هر کس که ساخته اطلاع افتد، از مدارس و خواق و سراهای علی و سور بلده و قلعه و خندق و اسواق و قنوات و ابار و باغستان و غیرهم بطالع مسعود خاتمه محمود...» [2].

بیشتر خواهد بود: احتمالاً کاهش اهمیت اجتماعی خانقاه‌ها، در قرن نهم در یزد آغاز شده بود.

تفاوت زمینه‌ای: تفاوت‌های تأکیدی وقفنامه با تاریخین
پس از عوامل خارجی مذکور، نوبت به بررسی عوامل داخلی می‌رسد. در این قسمت مقصود از عوامل داخلی، نیت مولفین و گزارشگران است؛ بدین معنی که برخی از تفاوت‌ها در توصیفات نه ناشی از تغییر عاملی در بیرون نویسندگان بلکه بخاطر تفاوت در دیدگاه نویسندگان و اولویت‌های آنها می‌تواند بوده باشد.

چنانچه در توضیحات پس از جدول ۱ ذکر شد، ارکان اصلی شمسیه در وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات مدرسه و خانقاه و دارالسیاده هستند؛ در حالی که در متن تاریخین اهمیت حمام، کاروانسرا، بازار و حتی منار به رفعت این سه رکن مذکور می‌رسد و گاهی حتی پیشی می‌گیرد. دلیل تفاوت در تأکید را احتمالاً باید در اهداف نویسندگان جست. جامع‌الخیرات یک وقفنامه است و طبیعتاً که میان موقوفه و موقوف‌الیه تفاوت آشکاری قائل شود، چه نظام وقف شامل



شکل ۶: تأثیر عوامل بیرونی بر اهمیت ۴ جزء از اجزاء مجموعه‌ی شمسیه

تاریخین، از دو مدرسه یا مدارس یاد می‌شود در حالی که دارالسیاده یا یاد نشده است و یا در حاشیه‌ی ذکر آب نرسوباد به آن اشاره‌ای می‌شود.

(۲) وزن ذکر حمام: در گزارش جعفری از حمام هم در گزارش طرح و هم در گزارش ساخت یاد شده است، در حالی که کاتب تنها در گزارش ساخت به آن اشاره کرده است.

(۳) قنات نرسوباد: در گزارش جعفری، برخلاف کاتب، ذکری از قنات نرسوباد در دارالسیاده نشده است.

(۴) ذکر خانه‌ها و باغ‌ها: در جامع‌الخیرات به خانه‌ها و باغ‌هایی در همسایگی مجموعه که بر آن وقف شده‌اند اشاره شده است ولی این اشارات در تاریخین غایب است.

(۵) توجه به تزئینات: گزارش کاتب از کتابه (کتیبه) در ساباط و کاشی‌کاری روی منارها یاد کرده است، ولی در گزارش جعفری به این دو موضوع اشاره‌ای نشده است.

دو دسته عامل درونی (نیات مولفان) و بیرونی (شرایط اجتماعی و اقلیمی شهر یزد) باعث این تغییرات شدند که در یک نگاه می‌توان اسباب این ۵ تفاوت را مطابق شکل ۷ طبقه‌بندی کرد.

علاوه بر تفاسیر علت‌شناسانه، این دو فرضیه‌ی محکم نیز ارائه گردید که سردر سابقا نیمه‌ویران روبروی شمسیه و زمین حسینی‌ی ملتکیه در کنار آن، احتمالا بقایای دارالسیاده‌ی شمسیه بوده‌اند. پایایی که در جوار این حسینیه قرار دارد نیز به ظن قوی پایایی به قنات نرسوباد بوده باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

مجموعه شمسیه به خاطر وجود برخی بقایای کالبدی در محله‌ی چهارمنار یزد از یک سو و از سوی دیگر حضور سه متن که آن را به شیوه‌های متفاوتی توصیف کرده‌اند، مجال مناسبی برای کاوش در شیوه‌ی معماری کهن یزد در دوران ایلخانی و آل مظفر فراهم می‌کند. قیاس تفاوت‌ها میان توصیفات به جای مانده و تطبیق آنها توانسته درک عمیق‌تری از این مجموعه و معماری یزد و شیوه‌ی معماری‌اندیشی یزدیان قدیم فراهم کند.

این نشان می‌دهد تخمین انگیزه‌ی جعفری در جهت معرفی ابنیه‌ی زیارتی و رفاهی یزد و بانیانشان، بیراه نیست.

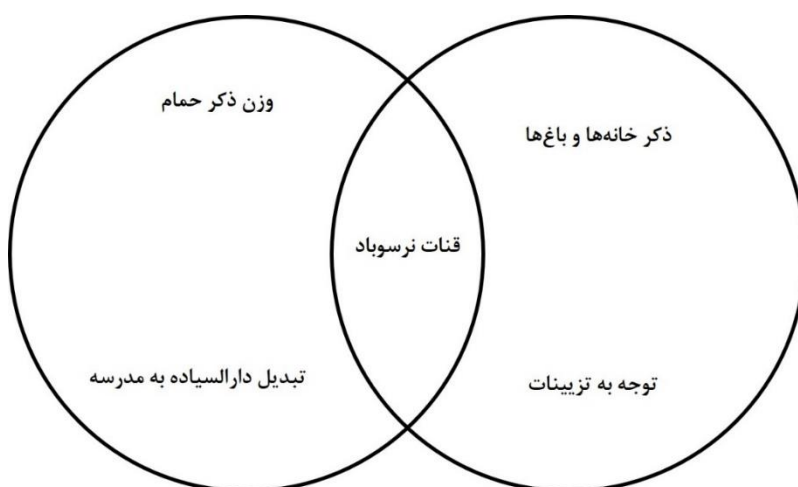
در مورد کاتب اطلاعات محدودتری در دست است، اما به گفته‌ی خود او در صفحات ۴ و ۵ مقدمه‌ی تاریخ جدید یزد: «... هرچند در علم پایه و از هنر سرمایه نداشت اما از اوان صبی تا زمان شیب همواره کمر خدمت سادات و علما و مشایخ و فضلا و صلحا و فصحا و بلغای عرب و عجم بر میان جان بسته... در مجالس و محافل اکابر دین و دولت همچون خلال بید یا زلال نبات در میان بوده... و اما بنعمه ربک فحدث، یوما فیوما... به کسب کتابت اشتغال نموده و آن را بعد از تحصیل علوم فاضل‌ترین و شریف‌ترین اکتساب دانسته و مصنفات علما و فصحا و شعرا و متکلمان را به اهتمام تما در قید کتابت احیا نموده و از روح مقدس بزرگان مستفیض گشته.» [3].

کاتب مانند جعفری انگیزه‌ی کتابت خود را به وضوح بیان نمی‌کند، اما با توجه به این شرح، می‌توان حدس زد انگیزه‌ی کاتب مضاعف بر انگیزه‌ی جعفری، شرح روایات بزرگان و علما و سادات شهر یزد بوده باشد. این ظن با توجه به ذکر عریض و طویل‌تر روایات و کرامات بزرگان یزد در متن کاتب - همچون ذکر کرامات شهدای فهرج در صفحه ۴۵ [3] - تقویت می‌شود. با توجه به فهمی که از این دو نویسنده و انگیزه‌هایشان در دست است، می‌توان حدس زد برای این دو نویسنده، ابنیه‌ی عمومی که قابل استفاده‌ی عام بوده باشد و بانی قدرتمند یا معتبری داشته است، لازم‌الذکرترند. این حدس می‌تواند توضیح دهد که چرا این دو تاریخ‌نامه به چندین باغ و خانه‌ی مذکور در وقف‌نامه‌ی جامع‌الخیرات که در جدول ۱ اشاره شد، بی‌اعتنا ماندند؛ و هم از همین رهگذر بهتر می‌توان درک کرد که چرا جعفری برای تلخیص عنوان توصیف شمسیه، ترجیح داد خانقاه و دارالسیاده را از قلم بیاندازد، و نه حمام یا کاروانسرا را.

جمع‌بندی یافته‌ها

روی هم رفته ۵ تفاوت کلیدی میان دو متن با یکدیگر یا با متن وقف‌نامه به چشم خورده است که عبارت‌اند از:

(۱) تبدیل دارالسیاده به مدرسه: در حالی که در متن جامع‌الخیرات و حتی در گزارش طرح ارسالی از تبریز در تاریخین، از یک مدرسه و یک دارالسیاده نام برده می‌شود، در گزارش ساخت مجموعه در



شکل ۷: تفهسیم‌بندی تفاوت‌های مشهود در تاریخین در خصوص شمسیه به تفکیک نوع علت تفاوت

نتایج محتوایی پژوهش

ذکر ساختمان‌های مشروب از کاریزهای زیرزمینی از خود نشان داده است.

تفاوت رسالت وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات با دو متن تاریخی دیگر، باعث تفاوت وزن ابنیه‌ی شمسیه در آنها شده است. در وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات، ارکان اصلی این مجموعه مدرسه و خانقاه و دارالسیاده هستند. در تاریخین اما وزن حمام، کاروانسرا، بازار و حتی منار به شدت افزایش یافته و به عنوان ارکان اصلی یاد می‌شوند. بین جعفری و کاتب نیز این تفاوت وزن ساختمانی را می‌توان در اهمیت بیشتر کاشیکاری و عناصر زینتی در متن کاتب مشاهده کرد.

پرسی که پاسخ کامل به آن در این مقاله نگنجید، بررسی احتمال تأسیس ممر آبرسانی نرسوباد در این مجموعه پس از سیل ۸۶۰ است. اگرچه این مقاله توانست فرضیات محکم‌تری مطرح کند، اما رد یا احیاناً تأکید مجدد بر فرضیه‌ی اخیر نیازمند پژوهش گسترده‌تری در واژه‌شناسی‌های منابع تاریخ یزد و گمانه‌زنی‌های باستان‌شناختی در قنات‌های نزدیک این محله خواهد بود. این پژوهش همچنین با بازشناسی و تفسیر تفاوت‌ها میان توصیفات اسناد تاریخ حول شمسیه، زمینه‌ساز پاسخ به پرسش‌های دیگری شده است، از جمله مکان‌یابی قنات نرسوباد یزد در اطراف مجموعه‌ی شمسیه و گمانه‌زنی‌های باستان‌شناسی در لایه‌های زیرین حسینی‌ی ملتکیه و اطراف آن. همچنین روش این مقاله در

طبق یافته‌های این مقاله، مجموعه‌ی شمسیه شامل سه بنای مذهبی مدرسه، خانقاه و دارالسیاده بوده است. با سقوط سلسله‌ی ایلخانی، دارالسیاده‌ها تدریجاً از رونق افتادند و دارالسیاده‌ی یزد نیز از عملکرد اولیه‌ی خود فاصله گرفت و به همین سبب، در قرن نهم از بنای بجای‌مانده‌ی آن بیشتر به عنوان «مدرسه» یاد می‌شد تا «دارالسیاده»؛ هرچند که نام دارالسیاده به عنوان یک اسم خاص هنوز گاهی به آن اطلاق می‌شد. با توجه به این، وقتی جعفری و کاتب از دو مدرسه در این مجموعه یاد می‌کنند، مقصود آنها مدرسه و دارالسیاده‌ایست که در متن وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات یاد شده است.

همچنین این مجموعه توسط دو ممر آبرسانی مشروب می‌شد: ممر آب تفت - که از میان بازار شمسیه می‌گذشت، و ممر آب نرسوباد - که به دارالسیاده می‌آمد. از ممر نرسوباد در تاریخ جعفری یاد نشده است و آب این قنات نیز در وقفنامه‌ی جامع‌الخیرات برای دارالسیاده وقف نشده بود. دو فرضیه برای این توضیح این تفاوت مطرح شد: اول آنکه آب نرسوباد ابتدا ارتباطی به دارالسیاده نداشته ولی پس از سیل سال ۸۶۰ ه.ق و تعمیر مجدد قنات نرسوباد، آب این قنات به دارالسیاده متصل شده است. فرضیه‌ی قوی‌تر می‌تواند این باشد که جعفری در تاریخ خود عنایت خاصی به ذکر آب‌های زیرزمینی یزد در ابنیه نداشته است، در حالی که کاتب میل بیشتری به

فهم مجموعه‌های یزد و تفسیر توصیفاتشان می‌تواند در فهم و تفسیر دیگر ابنیه‌ی تاریخی یزد به کار آید. بی‌تردید بازشناسی دیگر مجموعه‌های یزد همچون شیخداد، رکنیه، پیرحسین دامغانی و غیره می‌تواند به فهم دقیق‌تر یزد در قرون ۷ و ۸ و متعاقبا فهم باز هم دقیق‌تر مجموعه‌ی شمسیه یاری رساند.

نتایج کاربردی پژوهش

مخاطب اصلی نتایج این پژوهش، علاوه بر مورخین معماری، مرمتگران و طراحان حوزه‌ی معماری اسلامی-ایرانی هستند. با طرح فرضیه‌ای قوی مبنی بر اینکه سردر ملتکیه (و احتمالا زمین مقبره و حسینیه‌ی پشت آن) بقایای دارالسیاده‌ی شمسیه بوده باشند، این مقاله اولاً شاکله‌ای کلی از ساختار کالبدی یک دارالسیاده در تاریخ معماری ایران را معرفی کرده است که هم به فهم تاریخ معماری این گونه‌ی ساختمانی کمک می‌کند، و هم بستری می‌سازد برای پژوهش در خصوص تاریخ تحولات اجتماعی و مدیریتی ساختمان‌ها در ایران که چگونه دارالسیاده‌های کشور ایران پس از حذف ملزومات و متروک شدن، به کارکردهای دیگری تبدیل شدند. ثانیاً، طرح این فرضیه باعث می‌شود احتمال بالایی ایجاد شود که پایاب

کنار حسینیه‌ی ملتکیه (شکل ۴) به قنات تاریخی نرسوباد راه داشته باشد. تایید یا ابطال این احتمال به معنی تعریف پروژه‌ای باستان‌شناختی در بقایای قنات زیر این بناست. روش‌شناسی این مقاله در تفسیر متون تاریخی و کالبد معماری کهن منطبق بر یکدیگر، می‌تواند الگویی برای مطالعات تاریخی بناهای تاریخی در شهرهایی باشد که تاریخ‌نامه‌هایی حاوی مطالب معمارانه دارند (همچون یزد، شیراز و کرمان). این وجه روش‌شناختی، بالقوه مورد استفاده‌ی مرمتگران، مورخین معماری و حتی حوزه‌ی گردشگری است.

همچنین تفسیر تفاوت‌های میان متون تاریخی کمک می‌کند به درک دقیق‌تری از ذهنیت مردمان قدیم از معماری معاصرشان، و نکات حائز اهمیت از دیدگاه آنان برسیم. این درک بهتر از فهم مردمان قدیم از معماری، می‌تواند هم مبنایی فراهم کند برای طراحی به شیوه‌ی معماری کهن ایرانی اسلامی، و هم به تکمیل بناهای تاریخی مورد مرمت کمک کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تشکر و قدردانی: موردی ذکر نشده است.

تاییدیه‌های اخلاقی: موردی ذکر نشده است.

تعارض منافع: تعارض منافی میان نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

سهم نویسندگان در مقاله: سهم نویسنده اول شامل تهیه نوشتار ابتدایی مقاله و برداشت داده‌ها برابر با ۴۰ درصد، نویسنده دوم شامل بررسی مدارک، تایید فنی و مشارکت در انجام اصلاحات ۳۰ درصد و نویسنده سوم برابر با انجام اصلاحات و راستی آزمایی نتایج و برداشت‌های میدانی برابر با ۳۰ درصد.

ستاد راهنمای پایان‌نامه و نویسنده دوم پژوهشگر، با سهمی برابر می‌باشند.

منابع مالی/حمایت‌ها: موردی ذکر نشده است.

References

1. Daneshpajoo M., Afshar I. (Eds), *Jaame' Al-Khairat, Farhang-e IranZamin, Tehran, 1973* [Arabic]
2. Ja'fari J., *Tarikh-e Yazd, Elmi o Farhangi publishing, Tehran, 2005* [Persian]
3. Kateb A., *Tarikh-e Jadid-e Yazd, Edited by I Afshar, Amirkabir Publishing, Tehran, 2007* [Persian]
4. Hillenbrand R., *Islamic Architecture: Form, Function and Meaning. Translated by Baqer Ayatollahzade Shirazi, Rowzane publishing, Tehran, 2001* [Persian]
5. Wilber D., *The Architecture of Islamic Iran. The Ilkhanid Period, Elmi o Farhangi publishing, Translated by A Faryar, Tehran, 1986* [Persian]
6. Afshar I., *Yadegarha-ye Yazd; V II, Anjoman-e Asar-e Melli Pubishing, Tehran, 1975* [Persian]
7. Mir Dehghan F. A., Zarei, M. A., Nouri, J. *The physical-spatial structure of Yazd city from the beginning of the Islamic period to the end of the Al-Mozafar period Based on available evidence. Geography (Regional Planning), 2019, 9(36), 159-178.* [Persian]
8. Khademzade M., *Muzaffarid period architecture of Yazd (Ilkhanid and Timurid), Hampa, Tehran, 2008* [Persian]
9. Emami Meybodi D., *Rethinking the architecture of Shamsiya Yazd school, Iranian and Islamic architectural and restoration research, 2020, 3(6-7)* [Persian]
https://shij.ir/maremat/upload/maremat/Content/201027_13/Maremat-No6.7-Digital.pdf
10. Nikzad, Z., Mehr-'Ali Kord-bacheh, M., *Madrasas of Yazd in the Kakuyid and Atabakan Periods: Architecture and Function of Religious Schools Based on Historical Reports and Environmental Evidence, Journal of Iranian Architecture Studies, 2024, 12(24): 5-25.* [Persian]
<https://doi.org/10.22052/jias.2024.253321.1234>
11. Emami Meybodi D., *Researching the Muzaffarids and Timurid Schools in Yazd Based on Historical Texts, Parseh Journal of Archaeological Studies, 2022,*

12. 6(21): 9 [Persian]
<https://doi.org/10.30699/PIAS.6.21.217>
13. Einifar, A., Khademzade, M. H.,
Recognition of the Architecture of Yazd
in Atabakan Period, Using Historical
Documents (Case Study: Atabak Qotb-
Al'Din's Dowlat-Khaneh Complex).
*Journal of Architecture and Urban
Planning*, 2011, 3(6): 123-138. [Persian]
<https://doi.org/10.30480/aup.2011.176>
14. Mirhoseini M.H., *Yazd from the rise to
the fall of Muzaffarid dynasty*, Master of
history thesis. University of Tehran,
1993
15. Tashakkori Bafqi A., *History of the city
and urbanization in Yazd; From ancient
times to Atabakan*, Khane-ye Farhang-e
Sadouqi, Yazd, 2022 [Persian]
16. Mancini-Lander, D. J., Subversive
skylines: Local history and the rise of
the Sayyids in Mongol Yazd, *Bulletin of
the School of Oriental and African
Studies*, 2019, 82(1): 1–24
<https://doi.org/10.1017/S0041977X18001015>
17. Mostowfi Bafqi M., *Jaame' e Mofidi*,
Edited by I Afshar, Asatir publishing,
Tehran, 2006
18. Hultzs, A., *An archaeology of
perception: Verbal descriptions of
architecture in travel writings* [Doctoral,
UCL (University College London)], In
Doctoral thesis, UCL (University College
London), 2011
<https://discovery.ucl.ac.uk/id/eprint/1335832/>
19. Lakoff G., *Women, Fire and Dangerous
Things: What Categories Reveal About
the Mind*, Translated by J Mirzabeiki,
Agah Publishing, Tehran, 2016 [Persian]
20. Hosseini Yazdi R., *Jaame' Al-Khairat*,
endowment department, Yazd, ,1966
[Persian]
21. Semsar Yazdi A., Karimian A., Re-
identification of Vagfabad Qanat in
Yazd, An urban landscape in eighth and
fourteenth centuries Hegira, *Athar
Journal*, 2018, 79: 41, [Persian]
Available at:
<http://journal.richt.ir/athar/article-1-861-fa.html>
22. Ya'qubi M., Samani S.M., and Montazeri
Moqaddam H., Dar al-Siyadah; the
Historical Background of Its
Establishment; Its Status and Function
in the Time of Mongol Ilkhanate, *Tarikh-
e lalam dar Ayene-ye Pajooohesh*, 2014,
37(11): 117 [Persian] Available at:
<https://www.magiran.com/p1428968>